

پولس در قرنتس

¹ و بعد از آن پولس از آتن روانه شده، به قرنتس آمد. ² و مرد یهودی آکیلا نام را که مولدش پطس بود و از ایتالیا تازه رسیده بود و زنش پرسکیله را یافت زیرا کلودیوس فرمان داده بود که همه یهودیان از روم بروند. پس نزد ایشان آمد. ³ و چونکه با ایشان همپیشه بود، نزد ایشان مانده، به کار مشغول شد؛ و کسب ایشان خیمه دوزی بود. ⁴ و هر سبت در کنیسه مکالمه کرده، یهودیان و یونانیان را مجاب می ساخت. ⁵ اما چون سیلاس و تیموتاوس از مکادونیّه آمدند، پولس در روح مجبور شده، برای یهودیان شهادت می داد که عیسی، مسیح است. ولی چون ایشان مخالفت نموده، کفر می گفتند، دامن خود را بر ایشان افشانده، گفت: خون شما بر سر شما است. من بری هستم. بعد از این به نزد امّت ها می روم. ⁷ پس از آنجا نقل کرده، به خانه شخصی یوستس نام خداپرست آمد که خانه او متصل به کنیسه بود. ⁸ اما گرسپس، رئیس کنیسه با تمامی اهل بیتش به خداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل قرنتس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند.

⁹ شبی خداوند در رؤیا به پولس گفت: ترسان مباش، بلکه سخن بگو و خاموش مباش ¹⁰ زیرا که من با تو هستم و هیچ کس تو را ادبّت نخواهد رسانید زیرا که مرا در این شهر خلقی بسیار است. ¹¹ پس مدّت یک سال و شش ماه توقف نموده، ایشان را به کلام خدا تعلیم می داد.

¹² اما چون غالیون والی آخائیه بود، یهودیان یکدل شده، بر سر پولس تاخته، او را پیش مسند حاکم بردند ¹³ و گفتند: این شخص مردم را اغوا می کند که خدا را برخلاف شریعت عبادت کنند. ¹⁴ چون پولس خواست حرف زند، غالیون گفت: ای یهودیان، اگر ظلمی یا فسقی فاحش می بود، هر آینه شرط عقل می بود که متحمّل شما بشوم. ¹⁵ ولی چون مسأله ای است درباره سخنان و نامها و شریعت شما، پس خود بفهمید. من در چنین امور نمی خواهم داوری کنم. ¹⁶ پس ایشان را از پیش مسند براند. ¹⁷ و همه سوستانیس رئیس کنسیه را گرفته او را در مقابل مسند والی زدند و غالیون را از این امور هیچ پروا نبود.

بازگشت پولس به آنطاکیّه

¹ After these things Paul departed from Athens, and came to Corinth; ² And found a certain Jew named Aquila, born in Pontus, lately come from Italy, with his wife Priscilla; (because that Claudius had commanded all Jews to depart from Rome:) and came unto them. ³ And because he was of the same craft, he abode with them, and wrought: for by their occupation they were tentmakers. ⁴ And he reasoned in the synagogue every sabbath, and persuaded the Jews and the Greeks. ⁵ And when Silas and Timotheus were come from Macedonia, Paul was pressed in the spirit, and testified to the Jews that Jesus was Christ. ⁶ And when they opposed themselves, and blasphemed, he shook his raiment, and said unto them, Your blood be upon your own heads; I am clean: from henceforth I will go unto the Gentiles. ⁷ And he departed thence, and entered into a certain man's house, named Justus, one that worshipped God, whose house joined hard to the synagogue. ⁸ And Crispus, the chief ruler of the synagogue, believed on the Lord with all his house; and many of the Corinthians hearing believed, and were baptized. ⁹ Then spake the Lord to Paul in the night by a vision, Be not afraid, but speak, and hold not thy peace: ¹⁰ For I am with thee, and no man shall set on thee to hurt thee: for I have much people in this city. ¹¹ And he continued there a year and six months, teaching the word of God among them. ¹² And when Gallio was the deputy of Achaia, the Jews made insurrection with one accord against Paul, and brought him to the judgment seat, ¹³ Saying, This fellow persuadeth men

to worship God contrary to the law.¹⁴ And when Paul was now about to open his mouth, Gallio said unto the Jews, If it were a matter of wrong or wicked lewdness, O ye Jews, reason would that I should bear with you:¹⁵ But if it be a question of words and names, and of your law, look ye to it; for I will be no judge of such matters.¹⁶ And he drave them from the judgment seat.¹⁷ Then all the Greeks took Sosthenes, the chief ruler of the synagogue, and beat him before the judgment seat. And Gallio cared for none of those things.¹⁸ And Paul after this tarried there yet a good while, and then took his leave of the brethren, and sailed thence into Syria, and with him Priscilla and Aquila; having shorn his head in Cenchrea: for he had a vow.¹⁹ And he came to Ephesus, and left them there: but he himself entered into the synagogue, and reasoned with the Jews.²⁰ When they desired him to tarry longer time with them, he consented not;²¹ But bade them farewell, saying, I must by all means keep this feast that cometh in Jerusalem: but I will return again unto you, if God will. And he sailed from Ephesus.²² And when he had landed at Caesarea, and gone up, and saluted the church, he went down to Antioch.²³ And after he had spent some time there, he departed, and went over all the country of Galatia and Phrygia in order, strengthening all the disciples.²⁴ And a certain Jew named Apollos, born at Alexandria, an eloquent man, and mighty in the scriptures, came to Ephesus.²⁵ This man was instructed in the way of the Lord; and being fervent in the spirit, he spake and taught diligently the things of the

¹⁸ اما پُلُس بعد از آن، روزهای بسیار در آنجا توقف نمود پس برادران را وداع نموده، به سوریه از راه دریا رفت و پِرسُکله و اکیلا همراه او رفتند. و درکنتریه موی خود را چید چونکه نذر کرده بود.¹⁹ و چون به آفسُس رسید، آن دو نفر را در آنجا رها کرده، خود به کنیسه درآمده، با یهودیان مباحثه نمود.²⁰ و چون ایشان خواهش نمودند که مدتی با ایشان بماند، قبول نکرد²¹ بلکه ایشان را وداع کرده، گفت که: مرا به هر صورت باید عید آینده را در اورشلیم صرف کنم. لیکن اگر خدا بخواهد، باز به نزد شما خواهم برگشت. پس از آفسُس روانه شد²² و به قیصریه فرود آمده [به اورشلیم] رفت و کلیسا را تحیت نموده، به آنطاکیه آمد.

سومین مأموریت پُلُس و اَبُولُس در آفسُس آمد

²³ و مدتی در آنجا مانده، باز به سفر توجّه نمود و در مُلک غَلَطِیّه و قَرِیجّه جابجا می‌گشت و همه شاگردان را استوار می‌نمود.
²⁴ اما شخصی یهود اَبُولُس نام از اهل اِسْکَنْدَرِیّه که مردی فصیح و در کتاب توانا بود، به آفسُس رسید.²⁵ او در طریق خداوند تربیت یافته و در روح سرگرم بوده، درباره خداوند به دقت تکلم و تعلیم می‌نمود هر چند جز از تعمید یحیی اطلاعی نداشت.²⁶ همان شخص در کنیسه به دلیری سخن آغاز کرد. اما چون پِرسُکله و اکیلا او را شنیدند، نزد خود آوردند و به دقت تمام طریق خدا را بدو آموختند.²⁷ پس چون او عزیمت سفر آخانیّه کرد، برادران او را ترغیب نموده، به شاگردان سفارشنامه‌ای نوشتند که او را بپذیرند. و چون بدانجا رسید، آنان را که به وسیله فیض ایمان آورده بودند، اعانت بسیار نمود،²⁸ زیرا به قوّت تمام بر یهود اقامه حجّت می‌کرد و از کتب ثابت می‌نمود که عیسی، مسیح است.

Lord, knowing only the baptism of John.²⁶ And he began to speak boldly in the synagogue: whom when Aquila and Priscilla had heard, they took him unto them, and expounded unto him the way of God more perfectly.²⁷ And when he was disposed to pass into Achaia, the brethren wrote, exhorting the disciples to receive him: who, when he was come, helped them much which had believed through grace:²⁸ For he mightily convinced the Jews, and that publickly, shewing by the scriptures that Jesus was Christ.